

به نام خدا

" لزوم احیای دادگاه های تجاری در ایران "

غزل غفوری اصل - دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهیدبهشتی و عضو مرکز آموزش کانون

وکلای دادگستری البرز

چکیده

دادگاه های تجاری در زمره ی مهمترین دادگاه های اختصاصی قرار دارند. برخی کشورها به اهمیت وجود این دادگاه ها برای رسیدگی تخصصی، دقیق، سریع و کم هزینه به دعاوی تجاری پی برده و آن را در نظام قضائی خویش، در کنار سایر مراجع، گنجانده اند. اما نظام قضائی کشور ما فاقد این دادگاه مهم اختصاصی است و فقدان این محاکم گاه روند رسیدگی به دعاوی مهم و حساس تجاری با خواسته ی بالا را در عین نیاز به تعیین تکلیف فوری و دقیق، با اطاله ی دادرسی روبرو می سازد. تاکنون دکترین حقوقی تحقیق و مطالعه ای جامع و مستقل پیرامون این دادگاه ها و به ویژه ضرورت یا عدم ضرورت تشکیل آنها در ایران انجام نداده است.

ما در این مقاله در پی آن هستیم که با اشاره به ویژگی های حقوق تجارت، تجربه ی درخشان دادگاه های تجاری در فرانسه و نیز مشکلات ناشی از نبود این محاکم در یک نظام قضائی، ضرورت احیای این دادگاه ها را در ایران توجیه نماییم.

کلید واژه: دعاوی تجاری، آیین دادرسی تجاری، دادگاه اختصاصی، دادگاه عمومی

مقدمه

امروزه در پی تکامل و پیچیده تر شدن روابط میان اشخاص، تخصص گرایی در رسیدگی به دعاوی و اختلافات میان آنها، امری انکارناپذیر است؛ چرا که از رهگذر رسیدگی های دقیق و تخصصی به دعاوی، نتیجه ی مطلوب حاصل می شود و رویه های قضائی ارزنده ای از دادگاه ها برجای می ماند که باعث پیشرفت دستگاه قضائی کشور و در نتیجه تحقق هرچه بیشتر عدالت در جامعه می گردد. در راستای تحقق این امر و ایجاد زمینه ای برای دادرسی های تخصصی و دقیق دادگاه های خانواده، دادگاه های ویژه ی اطفال، دادگاه های اقتصادی و محاکمی از این دست در نظام قضائی ایران وارد شده است تا این حوزه ها را، که به دلیل حساسیت و پیچیدگی امور نیاز به بررسی های تخصصی و دقیق دارند، از سایر حوزه ها متمایز سازند.

یکی از حوزه های دادرسی که به دلیل پیچیدگی موضوعات، عناوین و دعاوی، نیاز مبرم به دادگاه های اختصاصی دارد، حوزه ی تجارت می باشد؛ چرا که ماهیت امور و دعاوی تجاری سرعت و دقت فراوان در رسیدگی های تجاری را می طلبد. به علاوه تخصصی شدن اصطلاحات و مهارت های تجاری و خروج روابط و مبادلات بازرگانی از قالب های سنتی فقه و قانون مدنی لزوم وجود تخصص های تجاری- در کنار تخصص حقوقی- را برای رسیدگی به این نوع دعاوی، بیش از پیش نمایان می سازد. با این وجود در کشور ما محاکمی اختصاصی و مجزا از شعب دادگاه های عمومی، با قضاتی متخصص و آشنا با امور تجاری- و نه تنها حقوق تجارت- تحت عنوان " دادگاه های تجاری " وجود ندارد.

البته لازم به ذکر است که در فاصله ی بین سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ هجری شمسی^۱ محکمه ی تجارت در کنار سایر مراجع قضائی در ایران وجود داشت ولی در نهایت به دلیل ضعف و نقص قانونگذاری، بدون آنکه رویه ای ارزنده و درخشان از خود برجای گذارد، تعطیل گشت.

با تدوین پیش نویس لایحه ی آیین دادرسی تجاری^۲ در سال ۱۳۸۸ توسط قوه قضائیه، تصویب آن در سال ۱۳۹۰ توسط هیأت دولت و سپس تقدیم آن به مجلس، اهمیت بحث پیرامون این دادگاه ها و اساساً ضرورت یا عدم ضرورت تشکیل آنها در ایران بیش از پیش آشکار شد؛ چرا که در این لایحه تشکیل دادگاه های تجاری در ایران برای رسیدگی به دعاوی تجاری پیش بینی شده و به ساختار، صلاحیت و آیین دادرسی این دادگاه ها در لایحه ی مذکور پرداخته شده است. لازم به ذکر است که این لایحه کماکان فرآیند تصویب خود را در مجلس شورای اسلامی می گذراند.

در کنار این لایحه، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ نیز در ماده ۲۹ خود به تشکیل دادگاه های تجاری اشاره نموده است. این ماده چنین اعلام می دارد: «قوه قضائیه و دولت اقدامات قانونی لازم را برای تنظیم آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاه های تجاری به عمل می آورند».

بنابراین با ملاحظه ی این دو متن قانونی نتیجه می گیریم که ضرورت تشکیل دادگاه های تجاری و نقش مؤثر آنها در حل و فصل هر چه بهتر و دقیق تر دعاوی تجاری، در سال های اخیر، از دید قانونگذار ایران مغفول نمانده است.

^۱ از این پس در مقاله به جای واژه هجری شمسی از علامت اختصاری " ه.ش. " استفاده خواهیم کرد.

^۲ از این پس در مقاله به جای عنوان کامل این لایحه از علامت اختصاری " ل.آ.د.ت. " بهره می جوئیم.

در این مقاله ما درصدد پاسخگویی به این پرسش مهم و ریشه ای هستیم که آیا اساساً احیای مجدد دادگاه های تجاری در ایران امری ضروری است یا خیر؟

با توجه به اینکه کشور فرانسه این دادگاه ها را در نظام قضائی خود گنجانده و توانسته با قانونگذاری صحیح ضمن حفظ آنها در طول سالیان متمادی در مجموعه ی مراجع قضائی خود، به رویه های ارزنده و موفق در رسیدگی به دعاوی تجاری دست یابد، ما بر آن شدیم تا با بررسی تجربه ی این کشور، پاسخی مستندتر و واقع بینانه تر به پرسش فوق دهیم. علت انتخاب فرانسه از میان کشورهایی که دارای این دادگاه ها هستند، این بوده که حقوق ایران به ویژه حقوق تجارت آن، به شدت متأثر از نظام حقوقی فرانسه است و محتوایی نزدیک و گاه مشابه حقوق آن کشور دارد.

این مقاله شامل سه گفتار می باشد. در گفتار اول بررسی مختصری پیرامون پیشینه ی تشکیل دادگاه های تجاری در هردو کشور (فرانسه و ایران) خواهیم داشت. در گفتار دوم و در راستای پاسخگویی به سؤال فوق، ضمن بررسی ویژگی های حقوق تجارت و به تبع آن دعاوی تجاری، نقش دادگاه های تجاری و آیین دادرسی تجاری را در تأمین هرچه بیشتر و بهتر این ویژگی ها مورد بررسی قرار خواهیم داد و بالاخره در گفتار سوم ضمن اشاره به محدودیت ها و مشکلات امر داورى در ایران، به عنوان روشی خصوصی برای حل و فصل اختلافات، ثابت خواهیم نمود که داورى نیز نمی تواند، به طور کامل، جای خالی این دادگاه ها را در ایران پر کند و کماکان ضرورت تشکیل این محاکم در ایران به قوت خود باقی است.

گفتار اول : پیشینه ی تشکیل دادگاه های تجاری

نهاد دادگاه های تجاری امری جدید در نظام حقوقی و قضائی دو کشور فرانسه و ایران نیست و در هر دو کشور در سال های دور، ضرورت تشکیل این محاکم مورد توجه تجار و نیز حقوقدانان قرار گرفت و برحسب همین ضرورت ها دادگاه های تجاری وارد مجموعه ی قضائی این دو کشور شدند. در فرانسه از زمان تشکیل این محاکم تا کنون، ضرورت وجود آنها در نظام قضائی کشور، تحت الشعاع انتقادات وارد بر این محاکم قرار نگرفت و کماکان این دادگاه ها به حیات خود در این کشور ادامه می دهند. اما نظام قضائی ایران برخلاف فرانسه در میانه ی راه این محاکم را از نظام قضائی خود حذف کرد. بدیهی است علت این امر از بین رفتن ضرورت هایی که موجب تشکیل این محاکم شد، نبود؛ چرا که با گذر زمان و با توجه به تحولات عظیم در حوزه ی تجارت و افزایش سطح مبادلات تجاری نه تنها از ضرورت هایی که در بدو امر احساس می شد کاسته نشده، بلکه این ضرورت ها روز به روز برجسته تر و بیشتر نیز گردیده است. بنابراین در راستای توجیه لزوم احیای مجدد دادگاه های تجاری در ایران لازم دیدیم که ابتدا به بررسی پیشینه ی تشکیل دادگاه های تجاری و نیز تغییر و تحولات آنها در فرانسه و ایران طی دو قسمت (الف) و (ب) بپردازیم.

الف- فرانسه

کشور ایتالیا مقدم بر فرانسه دادگاه های تجاری را در نظام قضائی خویش وارد ساخت و پس از آن فرانسه تحت تأثیر دادگاه های تجاری این کشور، خود نیز این دادگاه ها را در دستگاه قضائی خود گنجاند. علت این تقدم آن است که در قرون وسطی ایتالیا مهمترین مرکز تجاری اروپا بود و بندرهای آن از جمله فلورانس نقش مهمی در انسجام آداب و رسوم و عرف های تجاری داشتند. منشأ اولیه ی شکل گیری این آداب و رسوم و بالتبع دادگاه های تجاری در بازارهای ونیز و جنوا بوده است.^۱ از درون همین بازارها بود که اصناف^۲ شکل گرفتند. در رأس هر یک از این اصناف افرادی به نام کنسول^۳ قرار داشتند که از سوی تجار انتخاب می شدند و وظیفه ی اصلی آنها رسیدگی به دعاوی میان ایشان بود.^۴ رونق تجارت به تدریج از ایتالیا به سایر کشورهای اروپایی تسری یافت. در همین راستا فرانسه یکی از مهمترین رقبای تجاری ایتالیا گشت. در این کشور در قرن پانزدهم میلادی مراجع کنسولی که از مدتها قبل تحت تأثیر ایتالیا شکل گرفته بود، به فعالیت خود ادامه می دادند. نقطه ی عطف

^۱ پرو، روژه، نهادهای قضایی فرانسه، ترجمه شهرام ابراهیمی، عباس تدین و غلامحسین کوشکی، چاپ نخست، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، صفحه ۱۳۶

^۲ corporations

^۳ Consule

^۴ اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، زمستان ۱۳۸۰، صفحه ۷

تاریخ دادگاه های تجاری در فرانسه به فرمان ۱۵۶۳ شارل نهم بازمی گردد.^۱ در پی این فرمان اولین دادگاه تجاری در پاریس تشکیل شد و در ادامه با فرمان ۱۶۷۳ لویی چهاردهم صلاحیت دادگاه های تجاری به سرتاسر قلمرو فرانسه گسترش یافت.

از ۲۴ اوت ۱۷۹۰ تا کنون این تشکیلات که تحت عنوان "مراجع کنسولی" در حقوق فرانسه شناخته شده بودند، نام "دادگاه های تجاری"^۲ را بر خود گرفتند و قانون اکتبر ۱۷۹۵ به تعیین ترکیب، تعداد و نحوه ی انتخاب قضات این دادگاه ها پرداخت.

انقلاب کبیر فرانسه که ساختار قضائی دوره ی استبداد را از بیخ و بن اصلاح کرد، سازمان دادرسی بازرگانی را ابقاء نمود و در ساختار این محاکم تغییری ایجاد نکرد. علت آن نیز در دو امر نهفته است: نخست آنکه قضات تجاری از بین بازرگانان و به وسیله ی آرای عموم آنها انتخاب می شدند و این ترتیب با اصول لیبرالیسم که مبنای انقلاب فرانسه بود، مطابقت داشت و دیگر اینکه صلاحیت بازرگانان که به عرف و عادت بازرگانی آشنایی و بصیرت عملی داشتند برای رسیدگی به دعاوی تجار بیشتر از دادرسان خدمتگزار دولت بود که قوانین را ضمن تحصیلات علمی و نظری فرا گرفته بودند^۳ قوانین فرانسه در خصوص دادگاه های تجاری تا به امروز بارها مورد اصلاح و حتی نسخ به وسیله ی قانون جدید قرار گرفته است. در حال حاضر چهار منبع قانونی در خصوص دادگاه های تجاری در فرانسه وجود دارد که عبارتند از: ۱- قانون نهادهای قضایی فرانسه مصوب ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۷ میلادی^۴ ۲- آیین نامه ی ۱۳ ژانویه ۱۹۸۸ میلادی مصوب شورای دولتی فرانسه^۳ ۳- قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه^۴ - قانون تجارت فرانسه .

بنابراین ملاحظه می شود که با گذر زمان و تحولات اقتصادی و پیچیده تر گشتن معاملات تجاری، نظام حقوقی و قضائی فرانسه بیش از پیش به لزوم وجود این دادگاه ها در کنار مراجع عمومی پی برده است؛ فلذا با وجود برخی نظریه ها که در سال های اخیر به دلایلی از جمله عدم آشنایی قضات کنسولی (نمایندگان تجار) با قوانین، در اندیشه ی حذف این محاکم هستند، در برابر اثرات مثبت وجود این دادگاه ها نتوانستند مقاومت نمایند و تنها تعداد شعب این دادگاه ها در سال های اخیر در فرانسه کاهش یافته است.^۵ اما هنوز اصل لزوم و ضرورت این دادگاه ها در فرانسه، به دلیل سابقه ی درخشان آنها در حل و فصل دعاوی تجاری، مخدوش نشده است.

³ Raviart, Eugene, Les tribunaux de commerce, paris, librairie des juris classeurs, 1932, page 15

² Les tribunaux de commerce

^۵ رجوع کنید به: اسکینی، ربیعا، منبع پیشین، صفحه ۱۱ و پرو، روزه، منبع پیشین، صفحه ۱۳۷ و متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۸، صفحه ۵۲

¹ Code de l'organisation judiciaire

^۵ برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: پرو، روزه، منبع پیشین، صفحه ۱۳۷ و صفحات ۱۵۰-۱۴۸

به علاوه با توجه به اینکه این ایرادات بر ماهیت و اساس وجود دادگاه های تجاری وارد نیست بلکه تنها برخی مباحث این دادگاه ها، از جمله ترکیب اعضای رسیدگی کننده ی این محاکم، را هدف قرار داده است، اکثر دکتین حقوقی در فرانسه معتقدند که امکان رفع نواقص این دادگاه ها با اعمال تدابیر قانونی وجود دارد و نیازی به حذف کامل این محاکم نیست و این عمل مفید نخواهد بود.

ب- ایران

همانطور که در مقدمه نیز اشاره شد، نظام قضائی ایران در سال هایی کوتاه از دادگاه های تجاری برخوردار بود؛ اما عمر آنها چندان به درازا نکشید. بنابراین نظام قضائی ما با این نهاد چندان بیگانه نمی باشد.

آنچه که مسلم است در ایران نیز مانند سایر نظام های حقوقی اهمیت و توجه به لزوم وجود این دادگاه ها بعد از ورود مقررات ماهوی حقوق تجارت آشکار گردید. بنابراین جهت جلوگیری از اطاله ی بحث تاریخیچه از پرداختن به دوران قبل از آن خودداری می نمایم.

دوازده سال بعد از اولین قانون در زمینه ی امور بازرگانی - "قانون قبول و نکول بروات تجارتي" که در ۹ جمادی الأول ۱۳۲۸ هجری قمری^۱ برابر با ۱۲۸۹ ه.ش. به تصویب رسید^۲ - در سال ۱۳۰۱ ه.ق. اولین دادگاه تجاری که در حقیقت یک مرجع صنفی برای رسیدگی به دعاوی میان تجار بود، در دیوان خانه^۳ تشکیل شد. توضیح آنکه در این سال ها - دوره ی حکومت ناصرالدین شاه قاجار - حکام شرع در تمام پرونده ها اعم از ملکی، مالی، مدنی و تجاری، خود را صالح به رسیدگی می دانستند. این امر عده ای از بازرگانان بزرگ و مطرح آن زمان را بر آن داشت که دست به تأسیس مجلسی متشکل از تجار، با اختیارات قضائی، بزنند که به حل و فصل اختلافات میان بازرگانان بپردازد تا از این رهگذر از مداخله های ناروای حکام شرع در مسائل تجاری و سوء استفاده ی آنان از دعاوی و مطالبات بین بازرگانان جلوگیری شود. تلاش این بازرگانان، در نیمه ی شوال ۱۳۰۱ ه.ق.، منجر به صدور فرمانی از سوی ناصرالدین شاه شد که به موجب آن "مجلس وکلای

^۱ از این پس در مقاله به جای واژه ی هجری قمری از علامت اختصاری "ه.ق." استفاده می کنیم.

^۲ عیسی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، جلد ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸، صفحه ۱۴

- راستین، منصور، حقوق بازرگانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، صفحه ۲

^۳ دیوان خانه، به محاکم عرفی در برابر محاکم شرعی اطلاق می شد. «دیوان خانه به دعاوی عرفی بین افراد، دعاوی بین مردم و دولت، دعاوی اتباع بیگانه و دعاوی بین ایرانیان و اتباع خارجی رسیدگی می نمود.» / راوندی، مرتضی، سیر قانون و دادگستری در ایران، چاپ اول، انتشارات چشمه، تهران، ۱۳۶۸، صفحه ۲۴۶ (به نقل از شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد ۱، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۵، صفحه ۴۵، پاورقی شماره ۲)

تجار ایران" - که اصطلاحاً "مجلس تجارت" نامیده می شد - تحت نظارت وزارت تجارت شروع به کار کرد.^۱ علیرغم استقلال این محاکم از محاکم شرع، رسیدگی در مجلس تجارت تا قبل از مشروطیت علاوه بر عرف و عادات محل همچنان تابع شرع بود.^۲

با صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ه.ق و شروع قانونگذاری در وجوه مختلف، قانون دیگری در زمینه امور بازرگانی تحت عنوان "قانون موقتی محاکم تجارت" در ۲۴ شعبان ۱۳۳۳ ه.ق به تصویب رسید. این قانون مشتمل بر ۶۲ ماده بود و علاوه بر تشریح ساختار و ترکیب محاکم تجارت به وضع قواعد ویژه ای در خصوص آیین دادرسی این محاکم می پرداخت.

در ۱۳۰۴/۱۱/۱۴ ه.ش با تصویب "قانون تشکیل محاکم تجارت" توسط کمیسیون وزارت عدلیه، این دادگاه ها به حیات خود ادامه دادند. اما به دلیل عدم موفقیت این محاکم در اجرای هدف قانونگذار، قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷ ه.ش در مواد ۴۳ تا ۴۷ خود، تغییراتی را در ساختار این قانون از حیث حضور عضو تجاری ایجاد کرد و "قانون تسریع محاکمات" در سال ۱۳۰۹ ه.ش در قسمت پنجم خود که مربوط به دعاوی تجاری بود، با پیش بینی دادرسی اختصاری و نسخ قانون ۱۳۰۷، این دعاوی را در صلاحیت محاکم عمومی قرار داد و بدین ترتیب عمر محاکم تجاری در ایران خاتمه یافت. بی تفاوتی اعضای تجاری محکمه تجارت نسبت به حضور در جلسات دادرسی و نقض اصول بی طرفی از جانب ایشان موجب گردید که دادرسی در محاکم تجارت بیش از حد انتظار به طول انجامد و این امر از جمله علل اصلی حذف محاکم تجارت از نظام قضائی ایران بود.^۳

در نهایت با تصویب "قانون آیین دادرسی مدنی" در سال ۱۳۱۸ ه.ش، "قانون تسریع محاکمات"، آخرین یادگار محاکم تجارت، نیز از مجموعه قوانین حاکم بر دعاوی خارج شد و از این زمان کلیه ی دعاوی اعم از مدنی و بازرگانی براساس قانون ۱۳۱۸ مورد رسیدگی قرار می گرفتند.^۴ از این تاریخ به بعد علیرغم وجود نیاز شدید به یک مرجع اختصاصی برای حل و فصل دعاوی تجاری، هیچ گونه تشکیلات تخصصی در ایران سامان نیافته است. با گذر زمان و با افزایش سطح مبادلات و معاملات تجاری و پیچیده شدن مهارت ها، روابط و اصطلاحات تجاری این نیاز بیش از پیش آشکار گردید.

^۱ رجوع کنید به: امین، حسن، تاریخ حقوق ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی، ۱۳۸۲، صفحات ۴۱۰-۴۰۸ و متین دفتری، احمد، منبع پیشین، جلد ۱، صفحه ۵۳

^۲ خلعت بری، امیرارسلان، حقوق تجارت، مطبعه تجارت، ۱۳۱۲، صفحه ۴

^۳ برای مطالعه ی بیشتر در خصوص علت حذف محاکم تجاری رجوع کنید به: متین دفتری، احمد، منبع پیشین، جلد ۱، صفحات ۵۴ و ۵۵

^۴ متین دفتری، احمد، منبع پیشین، صفحه ۵۵

گفتار دوم- ویژگی های حقوق تجارت

در این گفتار ذیل سه قسمت، به بیان ویژگی های مهم حقوق تجارت و مبادلات تجاری می پردازیم که ضرورت تشکیل دادگاه های تجاری را بیش از پیش آشکار می سازد. به عبارت دیگر هدف از تشکیل دادگاه های تجاری و تفکیک آنها از مراجع عمومی این است که این ویژگی ها در رسیدگی به دعاوی و پرونده های تجاری مدنظر قرار گرفته و تأمین شود. بنابراین از گفته ی فوق چنین نتیجه گرفته می شود که انتظار ما از تشکیل دادگاه های تجاری این است که این محاکم تأمین کننده ی این خصایص در رسیدگی های تجاری باشند و گرنه تشکیل دادگاه های تجاری سودی در بر نداشته و چیزی جز تقسیم کار میان محاکم نخواهد بود. در این قسمت نقش قوانین فرانسه و نیز دادگاه های تجاری موجود در این کشور در تأمین این ویژگی های مهم و اساسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به علاوه به لایحه آیین دادرسی تجاری- که در واقع سند مؤسس دادگاه های تجاری در ایران خواهد بود- نیز پرداخته می شود و هدف آن است که از رهگذار مقایسه با حقوق فرانسه، خلأها و نقایص موجود در این لایحه در زمینه ی تأمین ویژگی های حقوق تجارت در دادگاه های تجاری آشکار گردد تا در نهایت پیشنهاداتی جهت اصلاح آن ارائه شود.

الف- امنیت

منظور از امنیت- که "اعتبار" نیز خوانده می شود- این است که در عالم تجارت افرادی که وارد معاملات تجاری می شوند، این انتظار را دارند که قانونگذار از آنها در برابر زیان ها و خطرات احتمالی حمایت کند؛ چرا که تنها در صورت وجود این حمایت قانونی از طلبکاران، افراد ترغیب و تشویق به معامله می شوند و همین امر برای طرف مقابل (تاجر) ایجاد اعتبار می کند. برخی قواعد که در حقوق تجارت فرانسه وضع گردیده، در راستای همین اعتبار و امنیت بخشیدن به معاملات تجاری است. از جمله ی این قواعد می توان به مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان اسناد تجاری و اصل تساوی طلبکاران تاجر ورشکسته اشاره کرد که در حقوق تجارت ایران نیز وارد شده اند. دادگاه های تجاری در راستای همین اصل در فرانسه شدت عمل و سختگیری بیشتری نسبت به بدهکار در مقایسه با حقوق مدنی اعمال می کنند و همین امر امنیت روابط تجاری را تقویت می کند. وظیفه ی تضمین اصل امنیت در درجه ی اول با قواعد ماهوی حقوق تجارت است.

بنابراین با توجه به توضیحات فوق و با عنایت به اینکه یکی از اهداف مهم از تشکیل دادگاه های تجاری حفظ اعتبار تجار و امنیت معاملات تجاری و نیز حمایت از غیرتاجر در برابر تاجر متخطی می باشد، برخلاف آنچه در بدو امر ممکن است به ذهن متبادر شود، تشکیل دادگاه تجاری به معنای متمایز و برتر دانستن طبقه ی تجار از

سایر اقشار جامعه نمی باشد. به عبارت دیگر وجود یک دادگاه مجزا و مستقل از دادگاه های عمومی همیشه یک امتیاز برای تجار به حساب نمی آید. بلکه در بسیاری موارد هدف از تشکیل این محاکم، ایجاد زمینه ای برای برخورد سخت گیرانه تر با تجار متخلف یا سهل انگار می باشد تا اعتبار حوزه ی تجارت و سایر تجار حفظ شده و غیر تاجر در برابر تاجر و در معامله با او احساس امنیت و رضایت بیشتری داشته باشد. به همین خاطر برخی نویسندگان اصل "شدت عمل" در حقوق تجارت را ناشی از همین ویژگی "امنیت" می دانند. بدیهی است که این برخورد بعضاً شدید، در نهایت به افزایش سطح معاملات تجاری می انجامد و این امر به سود خود تجار خواهد بود.

ب- سرعت

در حقوق تجارت سرعت نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. امنیت و استحکام معاملات تجاری چنین می طلبد که وقتی در خصوص یک رابطه ی قراردادی میان طرفین اختلافی حادث شود، روند رسیدگی به این اختلاف و تعیین تکلیف پیرامون آن، هرچه سریعتر انجام پذیرد. به علاوه لازمه ی جلب منفعت و کنار زدن رقبای تجاری، داشتن سرعت در روابط تجاری است. بنابراین یکی دیگر از عوامل توجیه کننده ی ضرورت تشکیل دادگاه های تجاری این است که این دادگاه ها در عین دقت و مهارت، در زمانی کوتاهتر به پرونده های تجاری رسیدگی نمایند؛ چرا که امروزه در صورت ارجاع این پرونده ها به دادگاه های عمومی با توجه به حجم وسیع پرونده های ورودی هر شعبه، نبود شعب حقوقی کافی و نیز کمبود قضات دقیق، مجرب و متخصص، این دسته از دعاوی نیز گرفتار امر کلیشه ای اطاله ی دادرسی در این دادگاه ها می شوند که با اصل سرعت در رسیدگی های تجاری در تعارض است. البته لازم به ذکر است که تأمین این اصل مهم در دادرسی های تجاری تا حد زیادی منوط به وضع آیین دادرسی ویژه در عرصه ی تجارت است نه حقوق ماهوی تجارت. از اینجا به ضرورت وضع قواعد آیین دادرسی تجاری در کنار تشکیل دادگاه های تجاری پی می بریم. به عبارت دیگر صرف تشکیل دادگاه های تجاری نمی تواند به تنهایی ضامن سرعت در دادرسی های تجاری باشد؛ چرا که اگر این محاکم را نیز تابع قید و بندها و تشریفات وسیع آیین دادرسی مدنی بدانیم، باز هم تسریع در رسیدگی های تجاری امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین برخلاف آنچه که در میان مؤلفین حقوق تجارت مشهور است، اصل سرعت نه به عنوان ویژگی متفاوت حقوق تجارت از حقوق مدنی بلکه از مقتضیات آیین دادرسی تجاری است. فلذا برای تأمین این اصل در دادگاه های تجاری و دادرسی تجاری لازم است که این محاکم از آیین دادرسی خاصی که با کوتاه تر و ساده تر نمودن روند رسیدگی به دعاوی، باعث تسریع رسیدگی ها می

^۱ سماواتی، حشمت الله، حقوق تجارت، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۸، صفحه ۳

گردند، تبعیت نماید؛ فلذا دادگاه های تجاری نیز مانند هر دادگاه اختصاصی، آیین رسیدگی خاص خود را می طلبند و بدون شك تشکیلات دادگاه های تجاری و آیین دادرسی حاکم بر آن به منزله ی رابطه ی جسم و روح است و باید با تدوین آیین دادرسی مختص این دادگاه ها، نحوه ی اداره ی دادرسی آنها معلوم باشد. بنابراین در صورتی که دادگاه های تجاری در کشور ایجاد شوند، برای آنکه اساساً هدف ما از تأسیس این محاکم محقق گردد، بایستی این دادگاه ها از آیین دادرسی خاص و متفاوتی از محاکم عمومی تبعیت کنند تا با تشریفاتی کمتر تجار زمان کمتری را برای مشخص شدن تکلیف و تثبیت وضعیت اقتصادیشان صرف کنند.^۱

برخی اصول که در آیین دادرسی تجاری در فرانسه وجود دارد زائیده ی همین اصل سرعت می باشد. از جمله آنها می توان به مرور زمان^۲، اجرای موقت احکام^۳ و دادرسی اختصاری^۴ اشاره کرد که برخی از آنها در قانون تجارت فرانسه و برخی دیگر در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه (باب مربوط به آیین دادرسی دادگاه های تجاری) گنجانده شده است.

بازتاب این اصول را در حقوق تجارت ایران نیز که ترجمانی از حقوق تجارت فرانسه می باشد می توان دید. برای مثال بحث مرور زمان در مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت در خصوص طرح دعاوی راجع به اسناد تجاری آمده است و مواد ۱۱۴ تا ۱۲۷ ل.آ.د.ت. نیز صراحتاً به مرور زمان در دعاوی اشاره کرده و آن را به کلیه ی دعاوی تجاری تعمیم داده است.

نهاد اجرای موقت احکام نیز در قانون تجارت ایران و نیز لایحه آیین دادرسی تجاری پیش بینی شده است. ماده ۴۱۷ قانون تجارت اجرای موقت حکم ورشکستگی را پیش بینی نموده است و فصل هشتم لایحه (مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ ل.آ.د.ت) اجرای موقت کلیه ی احکام صادره از دادگاه های تجاری را ممکن می داند.

اما دادرسی اختصاری^۵ که موجب رسیدگی دقیق تر و سریع تر می گردد، در لایحه آیین دادرسی تجاری پیش بینی نشده و این امر یکی از ایرادات وارد بر این لایحه است. این در حالی است که طریق معمول دادرسی در دادگاه های ایران دادرسی اختصاری است اما لایحه آیین دادرسی تجاری با عدول از این روش معمول، دادرسی را به تبادل لوایح و تشخیص رئیس دادگاه و امی گذارد (مواد ۳۷ تا ۴۱ ل.آ.د.ت). لازم به ذکر است که دادرسی

^۱ برای مطالعه ی بیشتر در خصوص اهمیت اصل سرعت در رسیدگی های تجاری رجوع کنید به:

شمس، عبدالله، منبع پیشین، جلد ۱، صفحه ۱۷، شماره ۴ و

- Le Gal, J.-P, Droit commercial, 4^e édition, Paris, Dalloz, 1973, page 8

^۱ Prescription

^۲ L'exécution provisoire

^۴ Procédure sommaire

^۵ دادرسی اختصاری در برابر دادرسی عادی قرار دارد و منظور از آن رسیدگی به دعاوی مطروحه با تشکیل جلسه ی رسیدگی و استماع اظهارات طرفین دعواست بدون آنکه این جلسه مسبوق به تبادل لوایح باشد.

اختصاصی نه تنها تأمین کننده ی اصل سرعت در رسیدگی هاست بلکه زمینه را برای رسیدگی دقیق تر و شفاف تر نیز آماده می سازد. اما در فرانسه دادرسی در دادگاه تجاری، به صراحت ماده ۱-۸۶۰ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه^۱، اختصاصی است.

ج- تخصص

یکی از ویژگی های مهم حقوق تجارت تخصصی بودن آن است. توضیح آنکه هر یک از اعمال و معاملات تجاری در برگیرنده ی موضوعات، عناوین و اصطلاحاتی است که تنها افراد متخصص- که خود در آن حوزه ی تجاری مشغول به فعالیت هستند- اشراف کامل و کافی نسبت به آنها دارند.

با گذر زمان و افزایش سطح معاملات، حقوق تجارت و معاملات تجاری بیش از پیش به سوی تخصصی شدن رفته، از قالب های رایج مبادلات- مندرج در فقه و قانون مدنی- فاصله می گیرند و درگیر موضوعات جدیدی می شوند که رسیدگی دقیق به دعاوی ناشی از آنها در کنار تخصص حقوقی یک متخصص تجاری را می طلبد. بنابراین برای تضمین تخصص، به عنوان یکی از ویژگی های مهم حقوق تجارت، در رسیدگی های تجاری، بایستی دادگاه هایی اختصاصی و مجزا از دادگاه های عمومی با قضاتی متخصص در امر تجارت تشکیل شود و نمی توان تنها به اختصاص چند شعبه از شعب دادگاه های عمومی فعلی، با همان قضات، به دعاوی تجاری اکتفا نمود.

بنابراین تشکیلات دادگاه تجاری و شرایط انتخاب قضات آن باید به گونه ای باشد که کسانی به دعاوی تجاری رسیدگی کنند که اشراف کافی نسبت به موضوع دعوی از حیث علمی و تجربی داشته باشند و بتوانند با بالاترین ضریب دقت و در کمترین زمان ممکن به حل و فصل دعوا پردازند. ضمن آنکه تجار نیز تا حد زیادی تمایل دارند توسط افرادی از میان خودشان به قضاوت گذارده شوند. البته این امر بدین معنا نیست که ما لزوم حضور قضاتی با دانش حقوقی را در این محاکم نادیده بگیریم. به عقیده ی ما بهترین راه برای تأمین اصل تخصص- تجاری و حقوقی- در رسیدگی های تجاری حضور قضاتی با دانش حقوقی در کنار تجار منتخب هر صنف، با حق رأی مساوی، برای رسیدگی به پرونده های تجاری می باشد؛ به گونه ای که تصمیم گیری نهایی حاصل نظر ورأی هر دو دسته باشد. این در حالی است که طبق قانون تجارت فرانسه قضات دادگاه تجاری همگی قضات کنسولی (نمایندگان تجار) و خود تاجر می باشند^۳ که این امر یکی از مهمترین انتقاداتی است که در سال های

^۱ این ماده چنین بیان می دارد: « رسیدگی [در دادگاه تجاری] شفاهی است.»

^۲ Raviart, Eugene, Op.cit, page 7

^۳ Art L723-4

اخیر بر دادگاه های تجاری وارد می شود و منتقدان همانگونه که پیشتر ذکر کردیم به دلیل عدم آشنایی قضات کنسولی با قوانین در اندیشه ی حذف این محاکم هستند. ملاحظه می شود که توجه فراوان به تخصص تجاری و غافل شدن از اهمیت تخصص های حقوقی در دادگاه های تجاری توسط قانونگذار فرانسوی، موجب ورود خدشه بر موقعیت این دادگاه ها در این کشور شده است.

در این خصوص ایران دقیقاً در نقطه ی مقابل فرانسه قرار گرفته و لایحه آیین دادرسی تجاری در ترکیب دادگاه های تجاری توجهی اندک و ناکافی به امر تخصص در دادگاه و دادرسی تجاری داشته است. توضیح آنکه در ایران ترکیب دادگاه تجاری وفق لایحه آیین دادرسی تجاری متشکل است از رئیس شعبه (دادرس) و مشاوران. شرایط انتخاب دادرس دادگاه همان شرایط عمومی است که برای قضات سایر مراجع مقرر است.^۱ تنها ماده ۱۱ ل.آ.د.ت. گذراندن دوره های آموزش تخصصی قوه قضائیه را برای قضات این محاکم ضروری دانسته است که مشخص نیست مقصود از این دوره ها چیست؟ چه اموری به قضات آموزش داده می شود؟ اساساً آیا می توان با برگزاری یک دوره آموزشی از فردی با دانش حقوقی، یک متخصص در حوزه ی تجارت-نه فقط حقوق تجارت- ساخت که بر این طیف وسیع از معاملات تخصصی و پیچیده ی تجاری اشراف یابد و از تمامی اصطلاحات و مهارت های تجاری آگاه گردد؟ در خصوص مشاوران دادگاه تجاری که خود از تجار هستند و در کنار دادرس دادگاه در ساختار دادگاه تجاری قرار می گیرند نیز باید گفت که متأسفانه لایحه نقش و تأثیر آنها را در پرونده های تجاری به اندازه ی نقش یک کارشناس کاهش داده است؛ چراکه برای مشاوران هیچ حق رأیی در نظر نگرفته است. ماده ۷ لایحه اعلام داشته: «مشاوران در دادگاه تجاری و همچنین شعب و هیأت عمومی دیوان عالی کشور حق رأی ندارند و نظر مشورتی آنان به صورت مکتوب اعلام می شود». بدین ترتیب تصمیم گیری در این دادگاه ها همانند محاکم عمومی فقط با دادرس دادگاه است و مشاوران تنها نظر خود را بیان می دارند و بدیهی است که قاضی می تواند بدون توجه به نظر مشورتی مشاور، آنگونه که خود صلاح می داند مبادرت به صدور رأی نماید. بنابراین در صورتی که لایحه در این خصوص تغییری نیابد و به همین شکل به تصویب رسد دادگاه های تجاری که در آینده در ایران تشکیل خواهند شد، در تأمین ویژگی مهم تخصص در رسیدگی های تجاری ناتوان خواهند بود.

نکته ی آخری که ذیل عنوان تخصص اشاره به آن مفید به نظر می رسد این است که با توجه به اینکه دعاوی تجاری از حیث موضوع دارای طیف وسیع و متنوعی هستند (مانند دعاوی مربوط به حمل و نقل، بیمه، توقف، شرکت ها و غیره)، لازم است در میان شعب دادگاه تجاری نیز تقسیم بندی هایی صورت پذیرد؛ به گونه ای که

^۱ مندرج در ماده واحده "قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری" مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ و الحاقیه های بعدی آن

هر شعبه به صورت تخصصی به یکی از موضوعات واقسام دعاوی تجاری پردازد. این امر موجب می گردد تا دادرس هر شعبه با تمرکز، تخصص و دقت بیشتری به موضوع رسیدگی نماید. این امر در ماده ۹ ل.آ.د.ت. لحاظ شده است: «رئیس قوه قضائیه می تواند با توجه به نوع دعاوی، تجربه و تخصص قضات، برخی از شعب دادگاه تجاری را جهت رسیدگی به نوع خاصی از دعاوی از قبیل حمل و نقل، بیمه، ورشکستگی، مالکیت فکری و دعاوی تجاری بین المللی اختصاص دهد».

گفتار سوم: محدودیت های داوری در جایگزینی دادگاه های تجاری

در حال حاضر به دلیل فقدان دادگاه های تجاری در ایران، بیشتر تجار ایرانی به جای آنکه دعاوی خود را به دادگاه های عمومی حقوقی با قضاتی غیر متخصص در امر تجارت بکشانند، ترجیح می دهند از شیوه ی خصوصی حل و فصل اختلافات یعنی داوری بهره جویند؛ ضمن آنکه این نهاد از ویژگی هایی نظیر سرعت، تخصص، دقت و کم هزینه بودن برخوردار است که تجار را هرچه بیشتر به سوی خود متمایل می سازد.^۱ اما داوری دارای محدودیت هایی است که سبب می شود این نهاد نتواند به طور کامل جایگزین دادگاه های تجاری شود و در نتیجه همواره به وجود یک دادگستری دولتی در کنار خود نیازمند است. در این گفتار برای توجیه هرچه بیشتر لزوم احیای مجدد دادگاه های تجاری در ایران، ذیل چهار قسمت، به بررسی محدودیت های داوری در قوانین ایران، به عنوان یک روش خصوصی برای حل و فصل اختلافات تجاری می پردازیم.

الف- استثنای بودن داوری

در نظام های حقوقی در خصوص حل و فصل دعاوی اصل بر مراجعه به دادگاه هاست و رجوع به داوری استثنایی بر این اصل است و بایستی طرفین دعوی قبل یا بعد از بروز اختلاف برای رجوع به داوری جهت حل و فصل دعوی خود از طریق داوری با یکدیگر توافق نمایند. برای ارجاع دعوی به داوری، معمولاً طرفین یک موافقتنامه ی داوری- اعم از قرارداد یا شرط داوری- را میان خود به امضاء می رسانند. گاه نیز وقتی دعوا به محکمه کشید متفقاً از محضر دادگاه تقاضای ارجاع امر به داوری را می نمایند. بدین ترتیب دعوا از دادگستری خارج شده و به روند خصوصی رسیدگی و حل و فصل اختلافات وارد می گردد.^۲ بنابراین طرفین به گونه ای اختیاری اختلاف خود را به داور یا داوران منتخب ارجاع خواهند داد. دعاوی تجاری نیز تابع همین قاعده هستند و تا زمانی که میان طرفین توافقی- قبل یا بعد از بروز اختلاف- در خصوص حل اختلافات تجاری از طریق داوری

^۱ جنیدی، لعیان، قانون حاکم بر داوری های تجاری بین المللی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶، صفحه ۹

^۲ برای مطالعه ی بیشتر رجوع کنید به: شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد ۳، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۵،

صورت نپذیرد، چاره ای جز توسل به مراجع قضایی باقی نخواهد ماند. بنابراین نیاز است که درکنار نهاد داوری، دادگاه های تجاری نیز وجود داشته باشند تا در صورت عدم وجود توافقی قبلی یا بعدی برای ارجاع امر به داوری، بتواند به عنوان یک مرجع تخصصی با دقت و اشراف کامل نسبت به مسائل تجاری، دعوی صورت گرفته را به نحو مطلوب حل و فصل نماید.

ب- محدود بودن قلمرو داوری

تنها دعوی قابلیت حل و فصل از طریق داوری را دارند که قابلیت ارجاع به داوری را داشته باشند.^۱ توضیح آنکه برخی دعوی به دلیل فقدان جنبه ی خصوصی و یا برخورد با مانع نظم عمومی، نمی توانند از طریق داوری حل و فصل گردند. نمونه ی بارز اینگونه دعوی در حوزه ی تجارت، دعوی ورشکستگی و دعوی مربوط به مالکیت های صنعتی و فکری می باشند. بند ۱ ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی^۲ در احصاء دعوی که قابل ارجاع به داوری نیست، به دعوی ورشکستگی اشاره نموده است. گرچه مباحث مربوط به مالکیت های فکری و صنعتی امروزه تاحدزیادی از حقوق تجارت استقلال یافته اما به دلیل آنکه در برخی حوزه ها، مانند ثبت علائم تجاری، این دو مقوله به یکدیگر نزدیک می شوند، دادگاه های تجاری به دعوی مربوط به مالکیت فکری نیز رسیدگی می کنند. بند ۶ ماده ۲۵ ل.آ.د.ت نیز رسیدگی به این قسم از دعوی را صراحتاً در صلاحیت دادگاه تجاری می داند. در این حوزه ها نیز چون بحث نظم عمومی مطرح است، امکان ارجاع دعوی به داوری وجود ندارد. با این توضیح برخی دعوی بسیار مهم و حساس تجاری قابل ارجاع به داوری نیستند و برای رسیدگی به آنها نیازه وجود یک دادگاه دولتی تجاری با قضاتی متخصص در این امور می باشد.

ج- فقدان قدرت اجرایی داوری^۳

نهاد داوری برخلاف مراجع قضائی نمی تواند با بهره گیری از قوای قهریه رأی خود را اجرا نماید و برای اجرای رأی داور نیازه درخواست از مراجع قضائی است. در همین راستا ماده ۴۸۸ ق.آ.د.م. اعلام می دارد: «هرگاه محکوم علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ، رأی داوری را اجرا ننماید، دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری و یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد مکلف است به درخواست طرف ذی نفع طبق رأی داور برگ اجرایی صادر کند. اجرای رأی برابر مقررات قانونی می باشد.» بدیهی است منظور از دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد در خصوص دعوی تجاری، دادگاه تجاری خواهد بود، منوط به آنکه لایحه آیین

^۱ شمس، عبدالله، منبع پیشین، صفحه ۵۲۳

^۲ از این پس از نشان اختصاری "ق.آ.د.م." به جای عنوان کامل این قانون استفاده می کنیم.

^۳ شمس، عبدالله، منبع پیشین، جلد ۳، صفحه ۵۷۰ و صفحات ۵۸۲-۵۸۰

دادرسی تجاری در ایران به تصویب رسیده و دادگاه های تجاری در پی آن ایجاد شود؛ وگرنه کماکان مرجع اجرا کننده ی رأی داوری در امور تجاری دادگاه های عمومی حقوقی خواهند بود که با عدم اشراف خود به موضوعات و مباحث تجاری و اعمال همان مواد عام اجرای احکام مدنی، ممکن است روند اجرای رأی داور را کند و طولانی نمایند که این امر با مبانی حقوق تجارت و اساس و فلسفه ی ارجاع امر به داوری ناسازگار است.^۱

د-عدم قابلیت همیشگی داوری در حل و فصل سریع اختلافات

گرچه یکی از محاسنی که بسیاری از حقوقدانان برای داوری برمی شمارند، سرعت در رسیدگی است اما به عقیده ی ما داوری همواره موجب تسریع در فصل خصومت نمی گردد؛ زیرا در بسیاری موارد مذاکرات مربوط به موافقت نامه داوری بیش از اندازه، شروع به داوری را به تأخیر می اندازد. در اکثر موارد داوری داخلی، رأی داور طوعاً از سوی محکوم علیه اجرا نمی شود و کار به اجرای اجباری رأی داوری کشد.^۲ مهم تر این که طرف بازنده همواره این گرایش طبیعی را دارد که نسبت به رأی داور اعتراض نموده و این مرتبه به دادگاه دولتی مراجعه نماید.^۳ امری که شاید موجب گردیده سازماندهی دقیق تر شکایت از رأی داور روزبه روز بیشتر احساس شود که خود در عین حال زمینه را برای تأخیر بیشتر در فصل خصومت فراهم می نماید. به علاوه اهمال طرفین دعوا در انتصاب داوران و نیز سهل انگاری در ارائه ی مدارک و اسناد به محکمه ی داوری برای بررسی و اظهار نظر نیز می تواند باعث اطاله ی داوری گردد. بنابراین به طول انجامیدن داوری به دلایل فوق الذکر از جمله عمده ترین مشکلات داوری است.

صرف نظر از این محدودیت ها، نهاد داوری همواره به مساعدت یک مرجع قضائی نیازمند است. تعیین داور از طرف مستنکف (مواد ۴۵۹ و ۴۶۰ ق.آ.د.م)، اظهار نظر نسبت به اصل قرارداد داوری (ماده ۴۶۱ ق.آ.د.م)، صدور حکم بر بطلان رأی داور (ماده ۴۹۰ ق.آ.د.م) و مسائلی از این دست نشان از لزوم وجود یک دادگاه در کنار داوری دارد. بدیهی است که در مسائل تجاری بهترین مرجع یک دادگاه ویژه ی تجاری می باشد.

نتیجه ی حاصل از توضیحات فوق این است که وجود نهاد داوری ما را از تشکیل دادگاه تجاری بی نیاز نخواهد کرد و داوری تنها می تواند به عنوان یک طریق حل و فصل خصوصی اختلافات در کنار مراجع قضائی مورد توجه قرار گیرد.

^۱ در حقوق فرانسه نیز اجرای رأی داور نیاز به دخالت دادگاه و مرجع قضایی دارد؛ یعنی اگر محکوم علیه به میل و اراده ی خود رأی داور را اجرا نکند، باید از رئیس دادگاه درخواست صدور دستور اجرا کرد. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Robert, Jean, Arbitrage civil et commercial, 4^e édition, Paris, Dalloz, 1967, pages 282 & 283

^۲ برای مطالعه در خصوص اجرای اجباری رأی داور رجوع کنید به: شمس، عبدالله، منبع پیشین، جلد ۱، صفحات ۵۸۱ و ۵۸۲

^۳ برای مطالعه در خصوص شکایت نسبت به رأی داور رجوع کنید به: شمس، عبدالله، همان، صفحات ۵۸۰-۵۷۱

نتیجه گیری :

در این مقاله ما در پی آن بودیم که ضرورت تشکیل دادگاه های تجاری را در ایران برای مخاطب خویش اثبات نماییم. در این راستا ضمن بیان ویژگی های حقوق تجارت- که عبارت بودند از امنیت، سرعت و تخصص- به ضرورت تشکیل محاکمی مجزا از دادگاه های عمومی برای تأمین این ویژگی ها اشاره نمودیم و دانستیم یک دادگاه تجاری زمانی مفید و کارآمد خواهد بود که به بهترین نحو این ویژگی ها را تحت پوشش قرار داده و تأمین نماید. بنابراین مقصود از تشکیل دادگاه های تجاری در کشور، تنها اضافه نمودن تشکیلات، ساختار و ساختمانی جدید به مجموعه ی قوه قضائیه نیست؛ بلکه بایستی در کنار تأمین این ظواهر، قانونگذاری های دقیق در وجوه مختلف- هم قواعد ماهوی و هم شکلی- صورت پذیرد تا این ویژگی ها تأمین گردد. به علاوه دانستیم که داوری به دلیل محدودیت هایی که داراست، ما را از تشکیل دادگاه های تجاری در کشور بی نیاز نمی سازد.

به عقیده ی ما با توجه به گسترش و پیچیده تر شدن روابط تجاری و در نتیجه دعاوی تجاری و لزوم هرچه تخصصی تر کردن رسیدگی های قضائی از یک سو و محدودیت های داوری و عدم مقبولیت آن دست کم در حقوق داخلی از سوی دیگر می توان پیش بینی چنین تشکیلاتی را ضروری دانست. بنابراین اصل تشکیل دادگاه های تجاری در ایران باید امری مثبت تلقی شود.

لازم به ذکر است که ما نیز بر این واقعیت واقف هستیم که حتی در صورت تصویب لایحه آیین دادرسی تجاری، ساختار و تشکیلات فعلی نظام قضائی ما با توجه به ظرفیت ها و پتانسیل های موجود، آمادگی و امکان پذیرش دادگاه های اختصاصی جدیدی تحت عنوان دادگاه های تجاری را نخواهد داشت و تشکیل این محاکم قطعاً در عمل با مشکلاتی چون کمبود امکانات، نداشتن بودجه ی لازم برای تشکیل این محاکم و یا عدم وجود قضات متخصص در امر تجارت به حد کافی، روبرو خواهد شد. بنابراین نباید به تشکیل فوری محاکم ویژه ی تجارت در ایران خوش بین بود و باید پذیرفت که به صرف تصویب لایحه شرایط برای تشکیل دادگاه های تجاری در ایران فراهم نمی شود چون مانع موجود بر سر راه تشکیل این دادگاه ها تنها مانع و خلأ قانونی نبوده، بلکه مشکل فراتر از این امور است و به نبودن ظرفیت های لازم در نظام قضائی ما برای پذیرش محاکمی جدید در مجموعه ی قوه قضائیه باز می گردد؛ اما آنچه مسلم است این است که هیچ یک از این مشکلات عملی نمی تواند اصل ضرورت تشکیل این محاکم را زیر سؤال ببرد.

بنابراین با توجه به نقش مهم و تأثیرگذار دادگاه های تجاری در گسترش روابط و معاملات سالم تجاری و بالتبع آن بهبود وضع اقتصادی جامعه، بایستی از همین حالا برای حل مشکلات عملی موجود بر سر راه تشکیل این

محاكم تلاش شود. گرچه ممکن است هزینه هایی که در این راستا صرف می شود در کوتاه مدت به چرخه ی اقتصادی کشور باز نگردد اما بدون شك بازدهی مثبت و مفید چنین هزینه هایی را در بلند مدت می توان دید.

با عنایت به اهمیت رسیدگی تخصصی به دعاوی تجاری، تا زمانی که نظام قضائی ما آمادگی کامل برای تشکیل دادگاه های تجاری کارآمد و تربیت قضات متخصص در این حوزه را به دست نیاورده، به نظری رسد بهترین راه برای جبران نبود این محاکم همین است که شعبی از دادگاه های عمومی فعلی برای رسیدگی به امور و دعاوی تجاری اختصاص یابد. در این موارد نیز، برای آنکه بتوانیم تاحدودی به فلسفه ی تشکیل دادگاه های تجاری نزدیک شویم، لازم است میزان تخصص قضات شاغل در این شعب در امر تجارت مدنظر قرار گیرد و حتی الامکان آموزش های لازم، تحت نظر خود تجار، برای این قضات تدارک دیده شود تا سطح آگاهی ایشان از مهارت ها، اصطلاحات و معاملات تجاری افزایش یابد. حضور مشاورانی از میان تجار در کنار قضات، به شرط آنکه نظر آنها برای قاضی لازم الاتباع باشد، نیز تا حد زیادی می تواند مشکل ناشی از عدم وجود قضات متخصص را رفع نماید و ویژگی مهم "تخصص" را در این شعب تأمین نماید. لازم به ذکر است در صورتی که تنها شعبی از دادگاه های عمومی به دعاوی تجاری اختصاص داده شود، ویژگی مهم "سرعت"، به دلیل تبعیت کلیه ی شعب دادگاه های عمومی از آیین دادرسی مدنی، در پرونده های تجاری مغفول خواهد ماند؛ چراکه دانستیم قواعد ماهوی حقوق تجارت نقش چندانی در تضمین اصل سرعت در رسیدگی های تجاری ندارند و در این زمینه ما نیازمند وضع قواعد شکلی خاص برای دادرسی های تجاری هستیم.

منابع :

الف) منابع فارسی

- ۱- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰
- ۲- امین، حسن، تاریخ حقوق ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی، ۱۳۸۲
- ۳- پرو، روزه، نهادهای قضایی فرانسه، ترجمه شهرام ابراهیمی، عباس تدین و غلامحسین کوشکی، چاپ اول، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴
- ۴- جنیدی، لعیا، قانون حاکم بر داوری های تجاری بین المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۶
- ۵- خلعت بری، امیرارسلان، حقوق تجارت، چاپ اول، تهران، مطبوعه تجارت، ۱۳۱۲

۶- راستین، منصور، حقوق بازرگانی ، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران ، ۱۳۵۳

۷- سماواتی ، حشمت الله، حقوق تجارت، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۸

۸- شمس ، عبدالله، آیین دادرسی مدنی ، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۵

۹- شمس ، عبدالله، آیین دادرسی مدنی ، جلد سوم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۵

۱۰- عیسی تفرشی، محمد ، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری ، جلد اول، چاپ اول ، تهران ، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸

۱۱- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول ، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۸

۱۲- محسنی، حسن، ترجمه آیین دادرسی مدنی فرانسه، چاپ دوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱

۱۳- مهدوی ، شیرین، زندگی نامه ی حاج محمدحسین کمپانی امین دارالضرب، ترجمه ی منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینک لو، تهران ، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۹

ب) منابع فرانسوی

- 1- Le Gal, J.-P, Droit commercial, 4^e édition, Paris, Dalloz, 1973
- 2- Raviart, Eugene, Les tribunaux de commerce, Paris, Librairie des juris classeurs, 1932
- 3- Robert, Jean, Arbitrage civil et commercial, 4^e édition, Paris, Dalloz, 1967
- 4- Vincent, Jean, Procédure civile, 18^e édition, Paris, Dalloz, 1976